

بهبانہ ارتباط

در ابتدای جلسه، پس از خوش و بش اولیه و سلام و احوالپرسی، مبلغ محترم جدول را ترسیم و پرسش‌ها را از دانش‌آموزان می‌پرسد تا موضوع جلسه، مشخص شود و بستر تبیین متن و محتوا، فراهم گردد.

م	ز	ه
ن	و	ح
آ	د	م
آ	ب	ی
س	ا	ی
ق	و	ل
م	ر	د

طعم؟ مزه

پیامبر کشتی ساز؟ نوح

پدر بزرگ انسانها؟ آدم

رنگ تیم استقلال؟ آبی^۱

سایه بی انتها؟ سای^۲

وقتی آن را به کسی دادی، خودت باید از آن مواظبت کنی؟ قول

زن نیست؟ مرد

خب بچه‌ها! حالا برای بدست آوردن عنوان جلسه امروز، باید خیلی زود و سریع، حروف ردیف وسط جدول را کنار هم بچینید تا جمله مورد نظر تکمیل شود. آفرین! زودباور

تبیین متن و محتوا

بعضی بچه‌ها و حتی خیلی از آدم بزرگها، خیلی زودباور و ساده هستند. یعنی هر کس هر چیزی که به آنها می‌گوید، زود باور می‌کنند و به دیگران هم خبر می‌دهند. اصلاً فکر نمی‌کنند شاید آن فرد دروغ گفته یا خواسته او را اذیت کند و به قول معروف، سرکار بگذارد. یک نمونه از این افراد زود باور و ساده لوح را در این داستانی که الان برای شما خواهم گفت، مشاهده می‌کنید تا بعد کمی بیشتر در این مورد صحبت کنیم.

مرد زودباور

مردی روستایی در حالی که زنگوله و ریسمانی به گردن بزش آویخته و سر آن را به دست گرفته بود، سوار بر الاغش به شهر می‌رفت. سه دزد او را دیدند، یکی از آنها گفت: من بزش را می‌دزدم. دیگری گفت: من الاغش را می‌برم. نفر سوم هم گفت: من لباس هایش را می‌زبایم. دزد اول آهسته آمد و ریسمان و زنگوله را از گردن بز در آورد و به دُم الاغ بست و بز را برداشت

۱. سؤال جایگزین: سوره ای به معنی ترشرو و عبوس؟ عبس
۲. سؤال جایگزین: آخرین سوره قرآن؟ ناس

و پا به فرار گذاشت.

دزد دوم نزد مرد روستایی آمد و با تمسخر گفت: همه ریسمان و زنگوله را به گردن الاغ می‌بندند، تو به دُم الاغ بسته‌ای؟

مرد ساده پشت سرش را نگاه کرد. دید بزش نیست. گفت: ای وای، بزم چه شد؟ دزد گفت: بزت چه جور بود؟ او نشانه‌های بز را به دزد گفت. دزد گفت: چند لحظه پیش کسی را دیدم که بزى با این نشانه‌ها همراه داشت و از این راه می‌رفت. مرد روستایی گفت: این الاغ را چند لحظه نگهدار تا من برگردم. دزد دوم هم به راحتی الاغ را برداشت و فرار کرد.

هنگامی که از یافتن بز مایوس شد، برگشت، دید الاغش را هم برده‌اند. به ناچار به طرف روستایش برگشت.

دزد سوم سر چاهی نشسته بود و گریه می‌کرد. مرد زودباور، او را دید و سبب گریه وی را پرسید. دزد گفت: من يك جعبه پر از جواهرات داشتم. می‌خواستم آن را برای سلطان ببرم، اینجا از دستم داخل چاه افتاد. هر کس آن را بیرون آورد به او ده اشرفی می‌دهم. مرد بیچاره لخت شد و به تَه چاه رفت، ولی هرچه نگاه کرد، جعبه‌ای ندید. وقتی از چاه بیرون آمد، دید لباس‌هایش را نیز دزدیده‌اند.

از آن پس از همه مردم می‌ترسید و از آنان فرار می‌کرد و گاهی به افراد مشکوک، با فحش و دشنام حمله می‌کرد.

اهل روستا از او سؤال کردند: چه شده است؟ چرا چنین می‌کنی؟ مگر دیوانه شده‌ای؟ او ماجرا را برای آنها نقل کرد. مردم دل‌شان به حال او سوخت، پولی جمع کردند و يك الاغ و يك دست لباس برایش خریدند. مرد ساده لوح این دفعه افسار الاغ را به دست گرفته بود و خودش از جلو و الاغ به دنبال او می‌رفت.

دو نفر دزد او را با این حالت دیدند. یکی از آنها افسار را از گردن الاغ باز کرد و به گردن خودش انداخت. دزد دیگر الاغ را برداشت و گریخت.

مقداری راه را طی کردند دزد، سرفه کرد. مرد روستایی پشت سرش را نگاه کرد، دید افسار الاغ به گردن مردی است و اثری از الاغش نیست. تعجب کرد، گفت: الاغم چه شد؟! دزد گفت: الاغ تو من بودم. هر گاه مادرم را اذیت می‌کنم، او مرا نفرین می‌کند و من برای مدتی کوتاه به صورت الاغ تغییر چهره می‌دهم! بعد که می‌بیند مردم چگونه از من بار می‌کشند، دلش به حال می‌سوزد و برایم دعا می‌کند و من به صورت اولیه بر می‌گردم. چند دقیقه پیش مادرم دعا کرد و من به صورت انسان در آمدم! مرد خوش‌باور از او عذرخواهی کرد و گفت: اگر به شما جسارتی کردم، مرا ببخشید. سپس افسار را از گردنش برداشت و او را رها کرد. چند روز بعد دید الاغش را در بازار می‌فروشنند. نزدیک الاغ رفت و در گوشش گفت: ای بی‌حیا، باز مادرت را اذیت کردی. من هرگز تو را نخواهم خرید! این داستان شاید جنبه‌ی طنز و شوخی داشت، ولی واقعیت این است که اگر انسان دقت کافی نداشته باشد، خیلی راحت سرش کلاه خواهد رفت. به همین دلیل انسان با ایمان باید همواره زرنگ و باکیاست باشد تا فریب بدخواهان را نخورد.

بدخواهان یعنی چه کسانی؟

شما خودتان می‌توانید آن را از این اعداد تشخیص دهید. پس خوب و با دقت به تابلو نگاه کنید. تذکر: مبلغ محترم روی تابلو به صورت مکرر عدد یک را می‌نویسد، فقط عدد ۸ که به عنوان «ط» استفاده می‌شود، به عدد یک بزرگ چهارمی - از چپ به راست - چسبیده می‌شود. مرحله اول روی تابلو:

۱. مختار الجوامع، ص ۵۲، میر محمد حسین بن محمد علی شوشتری جزایری. به نقل از کشکول جبهه، داستان ۱۱۰، مؤسسه فرهنگی نور.

ش

مرحله نیمه تکمیلی:

ش

مرحله تکمیلی:

ش

یادآوری: شیوه تکمیل کلمه شیطان: کافی دو خط مستقیم (یکی بلند و دیگری کوتاه برای حرف ن) زیر اعداد بکشید، تا کلمه مورد نظر بدست بیاید.

شاید بعضی از دوستان شما پرسند: از کجا می‌گویید شیطان بدخواه ماست؟

در جواب می‌گوییم: او خودش گفته که من همه انسانها را فریب می‌دهم تا مثل خودم از چشم خدا بیفتند و جهنمی شوند. در قرآن آمده است که شیطان، بعد از آن که شکست فاحشی خورد و از از درگاه خدا اخراج شد، چنین گفت: «قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْت عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا؛ به من بگو که این کسی (یعنی آدم را) که بر من برتری دارد [برای چه بود؟] اگر تا روز قیامت مهلتم دهی، به یقین فرزندانش را - جز افراد اندکی - زمامشان را خواهم گرفت و به سمت خود می‌برم»^۱.

پیام‌های کاربردی تربیتی

بنابراین باید مراقب بود تا فریب شیطان را نخوریم؛ زیرا او از راه‌های مختلفی وارد می‌شود تا انسان را بفریبد. یکی از این راه‌ها این است: ن ح ی پ ر د ز ا ه ص
چی؟ هر کس این کلمه را تشخیص دهد، جایزه دریافت خواهد کرد.
احسنت! صحنه پردازی

یعنی زیبا سازی کارهای زشت تا انسان به آن علاقه مند شود و با ساده لوحی و زودباوری، فریب شیطان را بخورد و آن کار ناپسند و گناه را انجام دهد.

امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام می‌فرمودند: «الشَّيْطَانُ... يُزَيِّنُ لَهُ الْمَعْصِيَةَ لِيُرْكَبَهَا؛ شیطان گناه را برای آدمی می‌آراید، تا آن را مرتکب شود».^۱

البته دوستان خوب من! این حرف و ادعای شیطان به این معنی نیست که حتما می‌تواند همه مردم را فریب دهد؛ نه! خیلی‌ها مثل معصومین علیهم السلام و حتی افراد عادی هستند که به وسوسه‌های شیطان بی‌اعتنایی می‌کنند و فریب او را نمی‌خورند.

خداوند می‌فرماید: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا؛ قطعاً تو بر بندگان (خالص) من تسلطی نداری و حمایت و نگهبانی پروردگارت (برای آنان) کافی است».^۲

پیام انقلابی

بنابراین فراموش نکنیم که نباید به شیطان اعتماد کرد؛ باید مراقب وسوسه‌ها و حيله گریهای شیطان باشیم که از هر راهی شده، ما را وسوسه می‌کند تا در دام خطا و اشتباه بیندازد. یکی از این تورهای شیطان برای به دام انداختن بچه‌ها این است که همیشه در گوششان وسوسه می‌کند که در مقابل پدر و مادر خود بایستند، به حرفشان گوش ندهند و با صدای بلند با آنان صحبت

۱. نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

۲. سوره اسراء، آیه ۶۵.

کنند! اگر درخواستی کردن، دیر انجام دهند، اگر کمکی خواستند، بهانه بیاورند و ...
دوستان خوب! مواظب ترفندها و حيله های شیطان باشید.

دعا و نیایش

خدایا! ما را از شر حيله های شیطان نجات بده!
پروردگارا! ما در انجام کارهای خوب، یاری کن!
خدایا! قلب ما را در مقابل پدر و مادر، مهربان و حرف شنو، قرار بده!
خداوندا! ظهور آقا امام زمان علیه السلام را نزدیک تر بفرما!
رهبر عزیز انقلاب، امام خامنه ای را حفظ و حمایت بفرما.

پایان

متن مطالعاتی

تسویل شیطان

تسویل به معنای زیبا جلوه دادن زشتی‌ها است که البته با نوعی فریب نیز همراه است. «سَوَّلْتُ لَهُ نَفْسَهُ كَذَا، زَيَّنْتُهُ لَهُ؛ نفس او فلان چیز را برایش تسویل نمود؛ یعنی آن را برایش زیبا جلوه داد». ^۱ به عبارت دیگر، «التسویل: تحسين الشيء و تزيينه و تحبيبه إلى الإنسان ليفعله أو يقوله؛ تسویل یعنی نیکو نمودن، تزیین و محبوب کردن چیزی برای انسان، تا آن کار را انجام دهد یا آن حرف را بگوید». ^۲

قرآن در قصه برادران یوسف عليه السلام می‌فرماید: «وَ جَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا؛ و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند، گفت: هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته نمود». ^۳

ولی حضرت یعقوب عليه السلام فریفته سخن آنان نشد و در پاسخ آنان گفت؛ بلکه نفس شما کار زشتی را در نظرتان زیبا جلوه داده است».

واژه تسویل در آیات دیگری نیز آمده است، از جمله: «إِنَّ الَّذِينَ أَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ

۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۵۰، بیروت، دار صادر.

۲ همان.

۳. سوره یوسف، آیه ۱۸.

مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ؛ کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است».^۱

واژه «تزیین» نیز از جمله واژگانی است که در همین راستا قابل تفسیر است؛ مانند: «وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ».^۲ و آیه: «رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ؛ پروردگارا! به علت آن که مرا گمراه ساختی، من [امکانات دنیایی را] در زمین برایشان می‌آرایم- آنان را خواهم فریفت- و همه را گمراه خواهم ساخت».^۳

۱. سوره محمد، آیه ۲۵.

۲. سوره نمل، آیه ۲۴.

۳. سوره حجر، آیه ۳۹.